

اصول و اهداف تعليم و تربيت

استنتاجاتی از آثار قلم اعلیٰ*

ایرج ایمن

مقدمه

این بررسی کوششی است مقدماتی به منظور استنتاج و استخراج مبانی و اهداف تعليم و تربيت از ۲۸ فقره نصوص از آثار قلم اعلیٰ. این نصوص بخش اول مجموعه انتخاباتی از آثار مبارکه در زمینه تعليم و تربيت است که در مرکز جهانی بهائی فراهم شده و در سال ۱۳۵ بدیع (۱۹۷۹م) توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری در طهران طبع و نشر گردیده. * باید در نظر داشت که سایر آثار قلم اعلیٰ نیز متضمن مفاهیم و مطالبی است که به جنبه‌ها و مسائل مختلف تعليم و تربيت مربوط می‌شود. و علاوه بر این در تبیینات حضرت عبدالبها، و توقیعات حضرت ولی امرالله نیز مطالبی در شرح و تفصیل تعالیم مزبور آمده است. بنا براین اصول و اهداف تعليم و تربيت و شرح و تفصیل آنها از دیدگاه بهائی منحصر به آنچه در این بررسی مشخص گردیده نیست.

در این بررسی ابتدا دو اصطلاح "اصل یا مبنی" و "هدف" در تعليم و تربيت به معنایی که در این تحقیق به کار گرفته شده تعریف می‌شود و سپس نظری اجمالی به تحولات کنونی در تعليم و تربيت به عنوان ارائه زمینه وضع موجود در قبال تعالیم بهائی خواهد آمد و

سرانجام اهداف و مبانی تعلیم و تربیت که از نصوص فوق‌الذکر استخراج شده گروه‌بندی و عرضه می‌شود.

اصل و هدف

منظور از اصطلاح "مبنی" یا "اصل" در این مبحث، منشاء و مصدر رفتار تربیتی است. و مقصود از رفتار تربیتی تأثیرات و روابط متقابل بین دو قطب آموزش و پرورش یا به عبارت دیگر یاددهنده و یادگیرنده است. علاوه بر این، اصطلاح مزبور به معنای وسیعتر به رهنمودهایی اطلاق شده که در آثار مبارکه برای تعلیم و تربیت توصیه شده است. "هدفهای" تعلیم و تربیت آرمانها و مقاصد است که اقدامات آموزشی و پرورشی در صدد تحقق بخشیدن به آنهاست و خط مشی کلی و نکاتی که باید در اقدامات مزبور ملحوظ گردد را مشخص می‌سازد. بنابراین این بین اصل و هدف ارتباط و گاه وجوه مشابهت زیادی وجود دارد.

نظری اجمالی به تحولات کنونی در تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت به معنای اخص به جریاناتی اطلاق می‌گردد که رفتار انسان را متشکل می‌سازد. این جریانات در حال حاضر دستخوش تحولاتی شگرف و بنیانیست. تحولاتی که در آموزش و پرورش روی می‌دهد بعضی جنبه مثبت و مفید دارد و برخی تأثیر منفی و زیانبخش.

یعنی نمی‌توان تمامی آنچه که امروزه به صورت تعلیم و تربیت عرضه می‌شود را از نظر تعالیم بهائی قابل قبول تلقی کرد. از جمله تغییرات و تحولاتی که در عرصه تعلیم و تربیت ملاحظه می‌شود می‌توان برای نمونه به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تحول قابل ملاحظه در هدف آموزش و پرورش است. در گذشته از آموزش گیرنده انتظار می‌رفت که آنچه را که به او آموزش داده می‌شود، فراگیرد و تحویل دهد. امروزه معلم یاددهنده معلومات نیست بلکه راهنمایی کننده است و متعلم باید نحوه یادگرفتن را بفهمد و فراگیرد و بکاربندد و قادر باشد که خود آنچه را لازم است بیابد و یاد بگیرد. این دگرگونی، در روش تربیت معلم تغییرات کلی بوجود آورده و با دادن توانایی و آزادی عمل بیشتر به متعلمان به آنان نقش و وظیفه محوری در جامعه داده است.

۲. آموزش و پرورش که در گذشته فعل و انفعالی بین شخص معلم یا مربی و فرد یا افراد آموزش گیرنده بود امروزه تأثیر و تأثریست که بین دو گروه روی می‌دهد. به عبارت دیگر عاملی که به طور سنتی معلم یا مربی نامیده می‌شد و به طور انفرادی و مستقل به

کار تعلیم و تربیت می‌پردازد، اکنون از گروهی از متخصصان و متصدیان گوناگون تشکیل می‌شود. و آنچه نصیب یادگیرنده می‌شود حاصل اقدامات و همکاری این گروه آموزش‌دهنده است. آموزش‌گیرندگان نیز که در گذشته هر یک به تنهایی موظف به فراگرفتن آموخته‌ها بودند، روز به روز بیشتر به صورت گروهی و تیمی به اجرای وظایف و تکالیف مورد نظر می‌پردازند. به این ترتیب است که در این زمان تعلیم و تربیت شبکه ارتباطات متقابل بین این دو قطب یا دو گروه شده است. حاصل آنکه آموزش و پرورش امروز نیازمند بهره‌گیری از فنون و تخصصها و ابزار و وسائل گوناگونی شده است که دانستن و به‌کار بستن آنها از عهده یک فرد ساخته نیست. این تحول سبب تغییرات بسیاری در تجهیز نیروی انسانی و راه و روش و سازماندهی آموزش و پرورش شده است که به توجه و منابعی افزون از آنچه در گذشته فراهم بود نیاز دارد.

۳. توجه روزافزون به مراعات "حقوق بشر"، نیاز به اجرای عدالت، یعنی ایجاد تساوی فرصت برای تعلیم و تربیت همه افراد را روز به روز بیشتر مورد تقاضا و تأکید قرار می‌دهد. بویژه که از لحاظ تسهیلات و امکانات آموزش و پرورش شکاف بین جوامع یا طبقات مرفه‌تر و ثروتمندتر هر جامعه، و جوامع یا طبقات ضعیفتر و فقیرتر پیوسته افزایش می‌یابد. تعلیم و تربیت، بدون تردید، یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد عدالت و تساوی حقوق در جامعه است و تا بنحو یکسان و عادلانه در دسترس عموم قرار نگیرد عدالت اجتماعی به نحو مطلوب تحقق نخواهد پذیرفت.

۴. تعلیم و تربیت در دنیای امروز بهترین وسیله برای پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی افراد است و به همین جهت بیش از پیش مورد تقاضاست. یعنی هم روز به روز تعداد متقاضیان فرصتهای آموزشی افزایش می‌یابد و هم بر علاقه‌مندی آنان به دسترسی یافتن به مراحل بالاتر از تعلیمات افزوده می‌شود. در ضمن افزایش جمعیت جهان سبب می‌شود که پیوسته تعداد افرادی که خواهان تعلیم گرفتن هستند نسبت به تعداد افرادی که از لحاظ سنی در موقعیت آموزش دادن هستند افزایش یابد و توازن بین عرضه و تقاضا را متزلزل سازد. این تحول، انگیزه بسیار مؤثری برای ایجاد تغییر در روشها و وسائل آموزش و پرورش شده است.

۵. آموزش در گذشته مستلزم ارتباط حضوری بین معلم و شاگرد بود اما پیشرفتهای وسائط مخابراتی و ارتباطی از یک سو و فشار روزافزون برای دست‌یافتن به فرصتهای آموزشی از سوی دیگر، طریقه جدیدی را بوجود آورده است که به "یادگیری از راه دور"

(Distance Learning) موسوم است که پیوسته ابعاد و انواع و توسعه بیشتری پیدا می‌کند. این تحول بتدریج تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تعمیم و ایجاد تساوی حقوق در تعلیم و تربیت و از بین بردن شکاف و فاصله موجود بین جوامع مرفه و جوامع ناتوان خواهد داشت.

۶. آموزش در گذشته منحصر به اقدامات مدرسه و معلم بود و پدر و مادرها و سایر افراد خانواده در این جریان سهم و دخالت چندانی نداشتند. اما امروزه مشارکت والدین در بهره‌گیری کودکان از تعلیمات مدرسه‌ای مورد توجه و استفاده خاص قرار گرفته است. از جمله جریان‌ات حاصل از این تغییر، در برخی از کشورها، توجه روزافزون به آموزش در خانه به جای اعزام اطفال به مدرسه است و مؤسسات و تسهیلاتی که به این رویه کمک می‌کنند پیوسته کاملتر و وسیعتر می‌شوند. استفاده از این طریق زائیده سه چیز است: یکی افزایش علاقه مندی والدین به دخالت و نظارت مستقیم در آموزش و پرورش فرزندان است. سبب دیگر نگرانی والدین از ناامنی و نارسایی و محیط نامطلوب اخلاقی در مدارس است. فایده دیگر این رویه این است که افرادی که به دلیل جغرافیایی امکان شرکت در آموزشگاههای مورد علاقه خود را ندارند بدین ترتیب به آموزش مورد نظرشان دسترسی می‌یابند.

۷. برداشت نادرست از مفهوم آزادی محیط تربیتی مدارس را دستخوش تحولاتی کرده است که مانع پرورش اخلاقی شاگردان می‌شود. در بسیاری از کشورها منع تعلیم مفاهیم دینی در مدارس، از مهمترین سببهای این تحول است. علاوه بر این انحطاط ارزشهای اخلاقی در جامعه در پذیرش رفتارهای نامطلوب در مدارس تأثیر گذاشته است. در نتیجه مدرسه به جای آن که موجبات پیشگیری از بروز رفتارهای ناروا را فراهم آورد سرگرم مقابله با عوارض انحطاط اخلاقی در جامعه شده است که از لحاظی این خود به طور غیر مستقیم در تدنی اخلاق جامعه نیز مؤثر است.

۸. ازدیگر عواملی که در رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت تأثیر منفی دارد تعارض اهداف اقتصادی با اهداف تربیتی است. به عنوان مثال سودجویی در سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و ارائه خدمات در این زمینه، و طولانی کردن دوره‌های آموزش رسمی به منظور جلوگیری کردن از ورود نسلهای جوانتر به بازار کار را می‌توان نام برد.

۹. فشار روزافزون محدودیتهای مالی برای تأمین نیروی انسانی واجد شرائط و تأسیس و نگهداری و توسعه و تکمیل مؤسسات و تسهیلات لازم برای خدمات آموزشی و پرورشی، لزوم افزایش قابل ملاحظه منابع مالی برای این گونه خدمات را بیش از پیش آشکار ساخته است.

مقصود از ذکر مثالها و موارد فوق جلب توجه به جریانات مثبت و منفی در عرصه تعلیم و تربیت است که ارتباط حیاتی با تعالیم حضرت بهاءالله در این زمینه دارد و نقش و ضرورت تعالیم مزبور را در احیاء و پیشرفت و تعمیم خدمات آموزشی و پرورشی آشکار می‌سازد.

اصول تعلیم و تربیت بهائی

۱. اصالت وجود روحانی انسان

از دیدگاه معتقدات بهائی انسان موجودیست که در اصل و اساس حقیقتی روحانی و جاودانه دارد، که برای مدتی کوتاه به صورت جسمانی در دنیای مادی زندگانی می‌کند تا در اصلاح عالم و تهذیب امم بکوشد و برای حیات ابدی در عوالم الهی آماده شود. یعنی این زندگانی که ما در آن قرارداریم مقدماتی و موقتی و برای کسب کیفیات و صفات و خصوصیات است که برای زندگانی جاودانی ضروریست. این است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اگر حیات انسانی و وجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود، ایجاد چه شمره‌ای داشت. بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه می‌بخشید، بلکه موجودات ممکنات و عالم مکنونات کل مهمل بود. استغفرا لله من هذا التّصوّر و الخطاء العظیم." (۱) بنا بر آثار قلم اعلیٰ: "فرق این عالم با آن عالم مثل فرق عالم جنین با این عالم است." (۲)

بر مبنای چنین اصلی آرمان و خط مشی تعلیم و تربیت از آنچه در حال حاضر معمول و مقبول است منفک و مجزّی می‌شود و تصویری کاملاً متفاوت از انسان و از نقش و کاربرد یا وظیفه تعلیم و تربیت پدید می‌آید. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: "انسان طلسم اعظم است ولکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده." و در شرح "آنچه با اوست" فرموده‌اند: "انسان را به مشابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد." (۳)

از این بیان مبارک معلوم می‌شود آن خصوصیات که در این عالم باید درانسان جلوه‌گر شود در نهاد وی مکنون است و در اثر تربیت ظاهر و فعال می‌گردد.

۲. تربیت معنوی

از نظر کلی تربیت امریست معنوی که مقصد اصلی ظهور انبیاء الهی است یعنی مظهر ربوبیت الهی است. "انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق به صراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلیٰ نمایند." "تجلی شمس اسم ربّ را در کل ملاحظه نمایند چه که در

کل آثار تجلی این اسم مشهود است و تربیت کل منوط به او." در تأثیر تربیتی ظهور مظاهر مقدسه الهیه حضرت عبدالبهاء تشریح فرموده‌اند که: "این است حکمت بعثت انبیاء به جهت تربیت بشر، تا این زغال سنگ دانه الماس شود و این شجر بی‌ثمر پیوند گردد و میوه‌ای در نهایت حلاوت و لطافت بخشد." (۴) و در همین بیان مبارک انبیاء را "مرئی حقیقی" نامیده‌اند که در اثر تربیت آن مظاهر مقدسه انسان "مصدر صفات روحانیه گردد، مشرق انوار ملکوتی شود، مهبط الهامات ربانی گردد، و اگر چنانچه محروم بماند مظهر صفات شیطنی گردد، جامع رذائل حیوانی شود، مصدر شؤن ظلمانی گردد." (۵)

بنا بر آنچه گذشت تربیت اساسی تربیت معنویست که مبنی و اساسش تأثیر حیاتبخش تعالیم و احکام الهی است.

حضرت بهاءالله می‌فرمایند که این تربیت الهی بر دو قسم است: "یک قسم آن محیط بر کل است و کل را تربیت می‌فرماید و رزق می‌دهد چنانچه خود را رب العالمین فرموده" یعنی عموم افراد بشر را در برمی‌گیرد، چه مؤمنین به امر او و چه سایر افراد. بعد اضافه می‌فرمایند: "و قسم دیگر مخصوص نفوسی است که در ظل این اسم در این ظهور اعظم وارد شده‌اند. ولکن نفوس خارجه از این مقام محروم و از مائده احدیه که از سماء فضل این اسم اعظم نازل، ممنوعند. چه نسبت است آن نفوس را مع این نفوس." مائده احدیه همان کلمات الهی یعنی احکام و تعالیم مظهر ظهور در هر عصر و زمان است که دارای اثر تربیتی خاص در نفوس مؤمنین حقیقی است و سبب تربیت معنوی افراد انسانی می‌گردد.

۳. تربیت جامع وحدانی

تعلیم و تربیت باید جامع هر دو جنبه وجود انسانی باشد یعنی هم معارف بشری را بیاموزد و هم کمالات روحانی را در انسان پرورش دهد و این دو جنبه چنان با یکدیگر تلفیق و التیام یابد که به صورت یک جریان وحدانی درآید. حضرت بهاءالله توصیه فرموده‌اند که: "در تحصیل کمالات ظاهره و باطنیه بجهت بلوغ نمایند چه که ثمره سدره انسانی کمالات ظاهره و باطنیه بوده. انسان بی‌علم و هنر محبوب نه. مثل اشجار به‌ثمر بوده و خواهد بود. لذا لازم که به قدر قوه و وسع سدره وجود را به اثمار علم و عرفان و معانی و بیان مزین نمایند."

این تلفیق و ترکیب علم و اخلاق از اصول اساسی تعلیم و تربیت در امر بهائی محسوب می‌شود.

۴. تقدم تربیت روحانی و اخلاقی

گرچه تربیت اخلاقی و تعلیم معارف بشری هر دو با هم ضروری است اما در مقام مقایسه حق تقدم و اهمیت نسبی با تربیت اخلاقی و روحانی است. "دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرائط دین تعلیم دهند تا وعده و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد ولکن به قدری که به تعصب جاهلیه منجر و منتهی نگردد."

"أما الاطفال امر نمودیم در ابتدا به آداب و احکام دین تربیت نمایند و بعد بالعلوم النافعة و التجارة المزينة بطراز الامانة و الاعمال التي تكون دليلاً لنصرة امره او يجذب به امرا يقرب العبد الى مولاه."

در این بیانات مبارکه چند نکته مهم ملاحظه می شود: یکی تقدم و تأثیر و لزوم تربیت دینی در تشکل اخلاق و رفتار مطلوب و دیگری جلوگیری از ایجاد تعصب و انجماد و تحجر فکری تا از عقب افتادگی و اعمال و رفتار جاهلانه ممانعت شود. نکته دیگر آن است که پس از تکوین مبانی دینی و اخلاقی باید به آموزش علوم نافع و کسب و کاری پرداخت که به زینت امانت مزین باشد. و چنین تعلیم و تربیتی سبب نصرت امر الهی و موجب تقرب بندگان به محبوب عالمیان می گردد.

حضرت بهاء الله می فرمایند: "آیات الهی در کل مشهود و موجود لکن مادامی که در ظل حق مشاهده می شوند از آیات علیین مذکور و من دون آن از سجین محسوب." (۶) به عبارت دیگر نفوسی که تحت تأثیر مستقیم تعالیم الهی قرار می گیرند به مقام و مرتبت رفیعی می رسند و آنان که از این تعالیم محروم می مانند مثل این است که محبوس و زندانی هستند. و در تشریح این نکته حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "انسان آیت کبری الهیست. یعنی کتاب تکوین است. زیرا جمیع اسرار کائنات در انسان موجود. پس اگر در ظل تربیت مری حقیقی بیفتد و تربیت شود جواهرالجواهر گردد و نورالانور شود و روح الارواح گردد و مرکز سنوحات رحمانیه شود..." (۵)

این است که تربیت روحانی و اخلاقی مقدم و مرجح بر سایر جنبه ها و ابعاد تعلیم و تربیت است. این اصلی است که متأسفانه در حال حاضر مورد عنایت و توجه و اقدام در مؤسسات آموزشی نیست.

۵. عمومی و اجباری بودن تعلیم و تربیت

بنا بر نص کتاب مستطاب اقدس (بند ۴۸) تعلیم و تربیت پسران و دختران عمومی و

اجباریست و این فریضه پدران است که موجبات تعلیم و تربیت فرزندان را فراهم آورند و اگر نتوانند یا نخواهند در این امر اقدام کنند تشکیلات امری آنان را وادار به اجرای این حکم خواهند نمود و در صورت لزوم کمک مالی در اختیارشان قرار خواهند داد. بدین ترتیب هیچ فردی نباید از آموزش و پرورش محروم بماند.

اقدام به تربیت فرزندان چنان حائز اهمیت است که در ادامه همان بند در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند که اگر کسی طفلی را تربیت کند مانند آن است که فرزند آن حضرت را تربیت کرده‌است. و بدین ترتیب بالاترین رتبه و مقام را به خدمات تربیتی عنایت فرموده‌اند. "کل را وصیت می‌فرماییم... در اموری که سبب ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس است و سبب اعظم، تربیت اولاد است. باید کل به آن تمسک نمایند..." بعد در اشاره به این حکم آن را "امر مبرم که از قلم مالک قدم ظاهر شده و نازل گشته" توصیف می‌فرمایند.

۶. تعمیم آموزش سواد و علم و صنعت

در حکم کتاب مستطاب اقدس (بند ۴۸) که قبلاً ذکر شد امر شده است که به همه اطفال باید سواد و علم و صنعت تعلیم داده شود و در لوح این ذئب می‌فرمایند: "سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود، تحصیلش بر کل لازم..." بنا بر تعلیمات حضرت بهاءالله همه افراد بشر باید باسواد شوند و برای فرا گرفتن دانش و هنر، آموزش لازم را ببینند یعنی نه فقط خواندن و نوشتن را بدانند بلکه باید توانایی علمی و فنی را نیز کسب کنند. این دو توانایی پایه و اساس فراگرفتن مراحل بالاتر دانش و فن است و مؤثر در این که انسان شهروندی مفید شود.

تحقیقات علمی در روانشناسی و تعلیم و تربیت این نکته را مکشوف ساخته است که تحصیل دانش و صنعت به همراه یکدیگر سبب ایجاد مهارت در به کارگرفتن مغز و دست می‌شود و این دو یکدیگر را تقویت می‌نمایند. در نتیجه هم انسان در تسلط یافتن بر معلومات نظری و هم در مهارت و ابتکار در صنعت و هنر موفق تر می‌گردد.

باید توجه داشت که این اصول را حضرت بهاءالله در اواسط قرن نوزدهم تشریح فرمودند و پس از انقضای یکصد سال، در اواسط قرن بیستم، سازمان ملل متحد و یونسکو برای اجرای تعمیم جهانی سواد آموزی اقدام کردند که متأسفانه هنوز هم به نحو کامل تحقق نیافته‌است و در زمان حاضر بیش از ۹۰۰ میلیون نفر از مردم جهان از نعمت سواد

محرومند و در حدود ۱۲۰ میلیون نفر از کودکان که دو سوم آنها را دختران تشکیل می‌دهند به مدارس راه نیافته‌اند. تعلیم عمومی علوم اساسی و دانش فنی پایه‌ای که در ربع چهارم قرن بیستم مورد توجه یونسکو قرار گرفت هنوز هم از نظر اجرا در مراحل بسیار ابتدایی است.

۷. تعمیم آموزش حرفه‌ای

بنا بر احکام کتاب مستطاب اقدس بر هر فرد مؤمن فرض و واجب است که به حرفه و صنعتی اشتغال داشته باشد و این حکم استثنائی ندارد. لذا آموزش حرفه‌ای امری است عمومی و سبب خواهد شد که برنامه‌های مدارس متضمن آموزش حرفه‌ای برای عموم دانش‌آموزان باشد. بدین ترتیب تغییر قابل ملاحظه‌ای باید در وضع کنونی در مدارس بوجود آید. اکنون تعلیمات حرفه‌ای از تحصیلات علمی و ادبی مجزی شده است و در نتیجه در جامعه دو گروه مجزی از یکدیگر به وجود می‌آید: گروهی که با دستهای خود کار می‌کنند و گروهی که فقط اشتغال فکری دارند. در صورتی که تحقیقات علمی نشان داده‌است که آموزش حرفه‌ای و فراگرفتن فنونی که دست و به‌طور کلی بدن انسان را به کار وادار می‌کند در قوای ذهنی و اشتغالات فکری تأثیر مفید و مثبتی دارد. اجرای این اصل، یعنی تعمیم آموزش حرفه‌ای، هم مانع بیکاری و تکدی و بطالت می‌شود و هم سبب وحدت بیشتر در جامعه و هم باعث موفقیت بیشتر برای افراد در اموری که بدان اشتغال دارند می‌گردد.

۸. لزوم تعلیم و تربیت یتیمان و محرومان

اصل دیگری در تعلیم و تربیت که در آثار قلم اعلیٰ تشریح شده فراهم آوردن موجبات تعلیم و تربیت برای افرادیست که شرائط و احوال زندگانی امکان بهره‌گیری از فرصتهای مطلوب آموزش و پرورش را از آنان سلب کرده است. این است که احکام کتاب مستطاب اقدس ناظر به اهمیت و برکات روحانی اقدام به پذیرفتن این قبیل کودکان در خانواده و اقدام به آموزش و پرورش آنان با کیفیتی مطلوب است. تحقیقات علمی ثابت کرده‌است که بالیدن اطفال در محیط خانواده از جهات مختلف برتر از نگاهداری و پرورش آنان در دارالایتامها و مؤسسات مشابه است. حضرت بهاءالله میفرماید: « بسیاری از امور است که اگر اعتنا نشود ضایع و باطل خواهد شد. چه بسیار اطفال که در ارض بی اب و ام مشاهده می‌شوند. اگر توجهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی ثمر خواهند ماند...»

۹. تعلیم علوم نافع

همانطور که گذشت تحصیل علم از اصول آموزش و پرورش در امر بهائی است زیرا حضرت بهاءالله می فرمایند: "باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خط مبذول دارند." ولیکن تأکید و تصریح فرموده اند که مقصود "علوم نافع" است و در توضیح آن در لوح مقصود می فرمایند: "علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند. علمی که از لفظ ابتدا و به لفظ منتهی گردد مفید نبوده و نخواهد بود." و نیز فرموده اند که تحصیل علوم و فنون و صنایع بر کل لازم است "ولیکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که از حرف ابتدا و به حرف منتهی گردد."

این اصل سبب می شود که جامعه از شر تباهی و فساد رهایی یابد و رفاه و آسایش عمومی حاصل شود. می فرمایند: "باید اول هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است، اطفال به آن مشغول گردند تا رانحة فساد از عالم منقطع شود و کل به همت اولیای دولت و ملت در مهد امن و امان مستریح مشاهده شوند."

۱۰. فریضه عمومی

از اصول بدیع تعلیم و تربیت در امر بهائی مشارکت عمومی در خدمات تعلیم و تربیتی است. یعنی همه افراد باید در آموزش و پرورش که به فرموده جمال قدم سبب ترقی و پیشرفت جامعه بشری و افراد انسانیت خدمت و مساعدت نمایند. تأکید در مشارکت و مساعدت عمومی در امر تعلیم و تربیت بسیاری از مسائل و موانعی را که در تأمین تساوی حقوق و ایجاد امکانات برای به ظهور و بروز آمدن جواهر مکنون در وجود انسانی موجود است را برطرف می سازد و جامعه ای را بوجود می آورد که در آن جو مساعد و مطلوبی برای آموزش و پرورش همه افراد حکمفرماست. "کل را وصیت می فرماییم به ... اموری که سبب ارتقاء و ارتفاع نفوس است و سبب اعظم، تربیت اولاد است. باید کل به آن تمسک نمایند. اما امرناکم بذلک فی الواح شتی و فی کتاب الاقدس طوبی للعالمین. از حق می طلبیم کل را تأیید فرماید و توفیق بخشد بر اجرای این امر مبرم که از قلم مالک قدم ظاهر شده و نازل گشته."

۱۱. تقویت مالی

این مشارکت عمومی متضمن تقویت مالی خدمات تربیتی نیز هست. یعنی همه

افراد از دو طریق موظف و تشویق شده‌اند که موجبات مالی و اقتصادی تأمین خدمات تعلیم و تربیتی را فراهم سازند: یکی ایجاد صندوق تعلیم و تربیت و اهداء منظم و مرتب تبرعات به آن و دیگر رعایت ترتیب تقسیم ارث در احکام کتاب اقدس که توصیه شده‌است یک هشتم ماترک متوفی به "معلم" اختصاص یابد. بدین ترتیب مشکل بزرگ کمبود بودجه تعلیم و تربیت که از مشکلات ما به‌الابتلاء همه کشورهای جهان از غنی و فقیر است برطرف خواهد گشت. حضرت بهاء‌الله در لوح دنیا می‌فرمایند: "جمیع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و به اطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود." بدین ترتیب پایه و اساس مالی و اقتصادی تعلیم و تربیت تقویت می‌شود و توسعه شایسته می‌یابد.

۱۲. اجر و مقام معلم

یکی از مسائل و مشکلات کنونی در تعلیم و تربیت موقعیت اجتماعی و اقتصادی نفوسی است که به کار تعلیم و تربیت می‌پردازند. زیرا این افراد از نظر درآمد و نیز از لحاظ اهمیتی که خدماتشان برای جامعه دارد در رتبه و مقام اول قرار ندارند و در نتیجه افرادی که از نظر استعداد و امکانات آمادگی بیشتر دارند به سایر مشاغل روی می‌آورند و مؤسسات آموزشی از تأثیر و خدمات چنین افرادی محروم می‌مانند. حضرت بهاء‌الله از میان جمیع مشاغل و خدمات اجتماعی و انسانی فقط شغل تعلیم و تربیت و شخصی که به چنین خدمتی اشتغال داشته باشد را جزء وراث همه افراد مؤمنین قرار داده‌اند و بدین ترتیب هم حیثیت و مقام و مرتبه معلمی را برتر از همه مشاغل نموده‌اند و هم چنانچه گذشت از نظر مالی خادمین این خدمت را مرفه و مستغنی ساخته‌اند. "طوبی از برای معلمی که به عهد الهی وفا نمود و به تربیت اطفال مشغول گشت. اجر آنچه در کتاب اقدس نازل در باره او از قلم اعلیٰ ثبت شد. طوبی له، طوبی له، طوبی له."

۱۳. اطاعت ابویین

از جمله اصول تعلیم و تربیت در امر بهائی این است که اطفال باید به نحوی پرورش یابند که از پدر و مادر خود اطاعت کنند و موجبات رضای خاطر آنان را فراهم سازند. زیرا منظور حکومت مطلقه و رفتار استبدادی والدین نیست. و البته بزرگترها نیز باید به وضع و حال افراد کوچکتر توجه داشته و رعایت حالشان را نمایند. لذا برنامه های آموزشی و روش تربیت اطفال باید چنان تنظیم و ترتیب یابد و اجرا شود که چنین اخلاق و رفتاری

در نونهالان و نوجوانان ایجاد شود و استحکام یابد. این اصل ناظر به اصل وحدت و یگانگی در جامعه انسانی است. اصل مزبور در خانواده تأمین و تضمین می شود و حفظ مقام و احترام افراد سنین بالا بوسیله نسلهای جوانتر در رفتار اجتماعی مؤثر واقع می شود و موجب حفظ وحدت و حسن روابط بین افراد جامعه می شود. این است که حضرت بهاءالله می فرماید: "اطاعت ابوبین ... در مقامی اطاعة الله است." و بعد اضافه می نمایند که اگر از این اصل غفلت شود "چنین اولاد مبالات نداشته و ندارد، یفعل ما هوائه ماشاء" یعنی آنچه هوئی و هوس به او حکم کند معمول و مجری خواهد داشت. علاوه بر این در آثار قلم اعلی در لزوم تعلیم دین به اطفال تأکید شدید شده و تعلیم و تربیت دینی را پایه و اساس برای اطاعت از والدین و جلب رضای آنان محسوب داشته اند.

۱۴. تعلیم و تربیت دینی

حضرت بهاءالله می فرماید: "آنچه از برای اطفال در مقام اول و رتبه اولیه واجب و لازم است تعلیم کلمه توحید شرایع الهیه است، چه که من دون آن خشیه الله حاصل نمی شود. و در فقدان آن هزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبه ظاهر می گردد." و چنین تربیتی را "طراز اول" برای اطفال محسوب می فرمایند. و در بیانی دیگر می فرماید: "آنچه سبب اول است برای تربیت خلق خشیه الله بوده. طوبی للفاضلین" و در مقامی دیگر اضافه فرموده اند: "آباء باید در دین ابناء و اتقان آن جهد نمایند، چه هر فرزندی از دین الهی خارج شود البته به رضای ابوبین و حق جل جلاله عمل ننماید. جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیه کبری از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معروفی اقبال ننماید."

این موضوع، یعنی لزوم تعلیم و تربیت دینی و اثر و فایده آن مبحثی است مفصل که در این مختصر مجال شرح و بسط آن نیست زیرا از مهمترین مسائل مورد بحث و اختلاف نظر در بین متخصصان تعلیم و تربیت و سایر پیشوایان جامعه در بسیاری از کشورهاست. در همین چند بیان کوتاهی که از آثار قلم اعلی نقل شد ملاحظه می شود که خشیه الله در اثر ایمان به خداوند و اعتقاد به شرایع الهی بوجود می آید و این خشیه الله دو اثر دارد: هم انسان را تشویق و وادار به اعمال و اخلاق پسندیده می نماید و هم او را از ارتکاب اعمال ناروا و ناپسند ممانعت می نماید و پایه و اساس تربیت بوجود آمدن چنین وجدان اخلاقیست. از دیدگاه آئین بهائی، وجدان اخلاقی، در اثر معتقدات دینی در وجود انسان جایگزین می گردد. نظر به اینکه منظور از تربیت تشکل اخلاق و رفتاریست که سبب سعادت انسان

و آسایش دیگران و حفظ وحدت و یگانگی در جامعه باشد لذا تربیت دینی و تعالیم دینی را نمی‌توان از جریان تعلیم و تربیت اطفال مجزی کرد و جداگانه و خارج از جریان تعلیم و تربیت، و یا چنانکه برخی معتقدند، در سنین بزرگسالی بدان پرداخت. به عبارت دیگر علاوه بر سواد خواندن و نوشتن و دانش عمومی انسان نیازمند سواد روحانی و ایمانی نیز هست که باید به‌همراه هم مورد تعلیم و تعلم قرارگیرد.

۱۵. خط و زبان واحد

از جمله موانع و مشکلات موجود در تعلیم و تربیت تعدد زبانهایی است که مردم جهان بدان تکلم می‌کنند و خطهاییست که با آنها مطالب خود را می‌نویسند. اگرچه زبان و خط از خصوصیات قومی و فرهنگی است و حفظ و استفاده از آن ضرورت و فواید معلومی دارد، اما در تعمیم و ترویج و پیشرفت تعلیم و تربیت در جهان امروز مشکلات متعددی بوجود آورده است. برای نمونه به برخی از این مشکلات اشاره می‌شود.

شیوع مهاجرت مردم از زادگاه اصلی خود به نقاط دیگرسبب شده است که در مؤسسات آموزشی دانش‌آموزانی گرد هم می‌آیند که به زبانهای مختلف سخن می‌گویند. برای افرادی که از جامعه و محیط دیگری آمده‌اند فراگرفتن و تسلط یافتن بر خط و زبان و فرهنگ کشور میزبان کاریست غالباً دشوار. گذشته از این معلم و مربی نیز گرفتار مشکل ایجاد ارتباط با افرادی می‌شود که به زبان و فرهنگ آنها آشنایی ندارد. در نتیجه در چنین وضعی امر آموزش با موفقیت لازم صورت نمی‌گیرد.

تعلیم و تربیت نیازمند کتب و سایر وسایل آموزشی است و ناچار تعلیم گیرنده باید به زبان و خطی که مورد استفاده این وسایل است آشنا باشد. گذشته از این دانش بشری امروز به زبان و خطوط مختلف انتشار می‌یابد. تهیه مستمر انواع وسایل آموزشی و کتب مختلف به جمیع زبانهای رایج جهان و انتشار آنان به‌طور عادلانه و یکسان به زبانها و خطهای گوناگون خارج از توان و امکانات موجود جهان است. در نتیجه، کثرت السنه و خطوط سبب بوجود آمدن شکاف و تفاوت در دسترسی به اطلاعات و علوم بین جوامع توانمند و ناتوانتر شده است و این تفاوت علت دیگری برای وجود نابرابریهای اجتماعی گردیده است.

افزایش سریع و روزافزون ارتباطات و امکانات سفر سبب افزایش سفر افراد به نقاط مختلف جهان چه به منظور کار و شغل و چه به خاطر جهانگردی شده است. تعداد مجامع بین‌المللی نیز رو به افزایش است و این هر دو امر با اشکال اختلاف السنه و خطوط مواجه

هستند زیرا تأمین نیازهای ترجمه در کلیه موارد ذکر شده بسیار مشکل و پرهزینه است و تأمین آنها همیشه و بسادگی میسر نیست.

از اینها گذشته تدریس و فراگرفتن زبانهای مختلف از جمله مسائلی است که هم از لحاظ مالی و هم از نظر نیروی انسانی و نیز از لحاظ اتلاف وقت آموزش گیرندگان مشکل گوناگونی را بوجود می آورد.

حضرت بهاءالله این مشکل مهم بین المللی را از طریق لزوم آموزش عمومی زبان و خط واحد بین المللی، علاوه بر زبان و خط بومی، برطرف ساخته اند و نحوه بوجود آوردن آن را نیز ارائه داده اند: "باید... وکلای دولتها مجلسی بیاریند و در آن مجلس یک لسان از السن مختلفه و همچنین یک خط از خطوط موجوده را اختیار کنند و یا خط و لسانی بدیع ترتیب دهند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم فرمایند. در این صورت «مردم» دارای دو زبان می شوند یکی لسان وطن و دیگری لسانی که عموم اهل عالم به آن تکلم نمایند. اگر به آنچه ذکر شد تمسک جویند جمیع ارض قطعاً واحده مشاهده شود و از تعلیم و تعلم السن مختلفه فارغ و آزاد شوند."

۱۶. کوشش فردی

اكتساب دانش و کسب مهارت و تخلق به اخلاق پسندیده بدون سعی و کوشش فردی امکان پذیر نیست. یعنی تا فرد، خود برای یادگیری سعی و مجاهدت ننماید جمیع عوامل دیگر از معلم و وسائل آموزشی قادر به آموختن وی نخواهند شد. اینست که حضرت بهاءالله می فرمایند: "در تحصیل کمالات ظاهره و باطنه جهد بلیغ نمایید... لذا لازم که به قدر قوه و وسع، سدره وجود را به اثمار علم و عرفان و معانی و بیان مزین نمایید."

۱۷. اقدامات دولتی و ملی

به همان قسم که کوشش فردی برای توفیق در یادگیری ضرورت دارد، دخالت مقامات اداری مملکتی و سازمانهای دولتی و ملی نیز هم آهنگ و همراه با مساعی فردی ضرورت دارد. به طور خلاصه یادگیری در نتیجه تأثیر دو عامل تحقق می یابد: یکی رغبت و علاقه مندی و کوشش فردی و دیگری در دسترس بودن وسائل و تسهیلات لازم که باید توسط مؤسسات دولتی و ملی تأمین گردد. این است که حضرت بهاءالله برای توفیق در خدمات و حصول اهداف آموزشی و پرورشی به "همت اولیای دولت و ملت" هر دو اشاره می فرمایند.

اهداف تعليم و تربيت

نکاتی که به عنوان اصول تعليم و تربيت از آثار مبارکه قلم اعلیٰ استنتاج و استخراج گردید علاوه بر آنکه مبنی و اساس تنظيم و اجرای برنامه های آموزش و پرورش محسوب می شوند، می توان آنها را آرمانها و مقاصدی نیز دانست که در اثر اجرای خدمات آموزشی و پرورشی تحقق می یابند. به عبارت دیگر این نکات دارای دو جنبه هستند: هم طریق خدمات مزبور را مشخص می نمایند و هم غایت مقصود و منظور از آن خدمات را ارائه می دهند. بر اساس ۲۸ قطعه نصوص آثار قلم اعلیٰ در باب تعليم و تربيت در امر بهائی می توان اهداف و مقاصد خدمات و اقدامات تعليماتی و تربیتی را در مقولات پنجگانه ذیل تقسیم بندی کرد:

الف. تربيت معطوف به ايمان و ديانت

۱. اعتقاد به توحيد

اولین هدف در این مقوله بار آوردن کودکان به ترتیبی است که افرادی خدا شناس و متدین و مؤمن و دارای وجدان و شعور روحانی شوند. این است که حضرت بهاءالله می فرماید: "آنچه از برای اطفال در مقام اول و رتبه اولیه واجب و لازم است تعليم کلمه توحيد و شرايع الهیه است" یا "دارالتعليم بايد در ابتدا اولاد را به شرائط دين تعليم دهند" و یا "آبا، بايد کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند" و نیز "آباء بايد در دين ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند".

۲. ایجاد خشية الله

اعتقاد به وجود خالق و شناسایی مظهر ظهور الهی و بوجود آمدن رابطه عشق و محبت صمیمانه به مطلع امر در انسان حالتی ایجاد می کند که خشية الله نامیده می شود. زیرا از خصوصیات عشق و محبت این نگرانیست که مبادا رفتار انسان موجب نارضایی محبوبش شود. بنابر این حضرت بهاءالله فرموده اند که "من دون آن (یعنی تعليم توحيد و شریعت الهی) خشية الله حاصل نمی شود." و بعد در لزوم ایجاد خشية الله اضافه می فرمایند که "در فقدان آن صد هزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبه ظاهر می گردد." و بدین ترتیب اهدافی را که مورد نظر است مشخص می نمایند که رفتار و گفتار پسندیده است.

۳. آموزش آیات الهی و نحوه تلاوت آنها

حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس مقرر فرموده اند که کلمات و آیات الهی به فرزندان تعليم داده شود به نحوی که بتوانند آیات الهی را با بهترین الحان در مشارق اذکار

تلاوت نمایند. بنا بر این ملاحظه می شود که باید تدریس و تعلیم نصوص و آثار قلم اعلیٰ در برنامه درسی منظور گردد و علاوه بر آن نحوه تلاوت آیات به بهترین الحان نیز تعلیم داده شود. اجرای این دستور از نظر روانشناسی تربیتی متضمن تأثیرات و فواید چندیست. اولاً روح و ذهن اطفال با نص کلام الهی تغذیه و آبیاری می شود و چون کلام الهی خلّاق و واجد قوای مکنونه مخصوص است، در روح و رفتار و نحوه تفکر و قضاوت فرد تأثیر می گذارد. ثانیاً افراد را مستقیماً با پیام الهی مربوط می سازد و مانع می شود که پیام الهی را از راه آنچه دیگران فهمیده اند، دریافت و درک کنند. ثالثاً توانایی سخنرانی و دانش روحانی را در افراد افزایش می دهد. رابعاً سبب وحدت فکر و نظر در بین افراد جامعه می شود و از بروز اختلافاتی که حاصل عدم اطلاع از نص پیام الهی است جلوگیری می کند. و سرانجام، فرا گرفتن لحن خوش برای تلاوت آیات سبب تلطیف روح می گردد و در خواننده و شنونده حالت احترام و تمرکز فکری بیشتری بوجود می آورد. در نتیجه آنچه توسط آنان دریافت می شود بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و مؤثرتر خواهد بود.

۴. اطاعت

تدین و خشیه الله سبب پیروی از احکام و اوامر الهی و اطاعت از تعالیم و نصایح قلم اعلیٰ می شود که نتیجه آن بنا بر توجیهی که در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است اخلاق نیکو و اعمال پسندیده و حصول آزادی حقیقی و رهایی از سلطه خواهشهای نفسانی انسان است. حضرت بهاء الله این پیروی و اطاعت را به معنایی بسیار وسیعتر از آنچه در ابتدا به نظر می رسد مطرح می فرمایند زیرا رسیدن به این مرحله از رشد روحانی و ایمانی را سبب "اطاعت ابوبین" ذکر می نمایند.

۵. پایداری در رفتار پسندیده

حضرت بهاء الله می فرمایند: "جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیه کبری «انسان» از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معروفی اقبال ننماید." ملاحظه می شود که ایمان را به نوری تشبیه فرموده اند که در پرتو آن اخلاق و رفتار مطلوب ظاهر و جلوه گر می شود. گاه این سوآل مطرح می شود که پس چگونه است که برخی افرادی دیده شده اند که از نعمت ایمان محرومند ولی دارای اخلاق و رفتار پسندیده هستند. باید توجه داشت که در شرائط مساعد هر فرد پاک سرشتی رفتار مطلوب دارد اما زمانی که شرائط و احوال ادامه چنان رفتاری را سخت و ناگوار می سازد یا هنگامی که منافع شخصی حکم به رفتاری متضاد می کند در چنین افرادی عامل منع کننده ای وجود

ندارد که از طریق صواب منحرف نشوند. هر نفسی در معرض غلبه هوی و هوس و مقابله با احوال و شرائطی قرار می‌گیرد که وی را به ارتکاب رفتار ناشایست وادار می‌کند. تنها مانع و رداعی که انسان را در چنان احوال و شرائط حفظ می‌کند و از اقدام به عمل خطا باز می‌دارد نیروی ایمان و عشق به اطاعت از اوامر و نصایح الهیست. از این روست که ایجاد عشق و ایمان الهی از اهداف تعلیم و تربیت در امر بهائی محسوب شده‌است.

۶. کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع

از جمله هدفهایی که در آثار قلم اعلیٰ برای تربیت ذکر شده است احراز کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع است که باید قبل از رهایی انسان از جهان خاکی و صعود به عوالم الهی تحقق یابد. یعنی در اثر تربیت معنوی و روحانی نه تنها انسان دارای رفتاری می‌شود که در نهایت درجهٔ پسندیدگی و پاکی باشد بلکه از دل‌بستگی به امور مادی و هوی و هوسهای نفسانی بکلی فارغ و آزاد گردد. این است که حضرت بهاء، الله می‌فرمایند: «انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق به صراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلیٰ نمایند.

ب. تربیت معطوف به مصالح عمومی

۱. ایجاد صلح و صفا در جهان

حضرت بهاء، الله «رفع نفاق و اختلاف اهل امم» و تأسیس صلح و صفا و وحدت و یگانگی بین اهل عالم را از اهداف و مقاصد تربیت روحانی محسوب فرموده‌اند. بنا بر تعالیم بهائی هدف شرایع الهی ایجاد وحدت و محبت بین افراد بشر است. «ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف ننمایید.» (۷) و «اگر دین سبب اختلاف شود نبودن آن مرجح است.» (۸) تربیت دینی است که در اثر ترویج و اجرای تعالیم الهی افراد را توانا می‌سازد تا باعث رفع نفاق و اختلاف شوند و سرپردهٔ یگانگی و محبت را در جهان برپا کنند.

۲. ایجاد محیط امن و امان

تربیت روحانی و دینی مانع از بروز رفتاری می‌گردد که مضر به حال فرد و مغل نظم و امنیت جامعه است. بعلاوه حضرت بهاء، الله یکی از مقاصد تعلیم علوم و فنون نافع را تأمین امن و امان و ایجاد رفاه و آسایش در جامعه محسوب فرموده‌اند. و حصول به این منظور را با همکاری دولت و ملت میسر دانسته‌اند. تأکید بر این همکاری چنانکه در ذیل اصول شرح داده شد حائز اهمیت خاص است زیرا یکی از علل عدم موفقیت برنامه‌های تعلیم

و تربیت همین عدم همکاری و پشتیبانی صمیمانه این دو نیروی اجتماعی است. بی‌اطلاعی و بی‌توجهی و بی‌علاقه‌گی همهٔ مردم نسبت به برنامه‌های تعلیم و تربیت و اجرای آنها توانایی مؤسسات دولتی و ملی را برای تحقق بخشیدن به آن اهداف تضعیف و محدود می‌سازد.

۳. احتراز از ارتکاب اعمال ناپسند و رفع فساد

از جمله علل عمدت ناامنی و بی‌ثباتی و نگرانی و اضطراب عمومی در جامعه یکی ارتکاب جرائم و جنایات است و دیگری فساد روزافزون در خدمات عمومی و مؤسسات خصوصی که حتی به بالاترین مقامات جامعه سرایت کرده است. تجربه نشان داده است که مجازات موفق به ریشه کن کردن هیچ یک از این دو نشده است. تربیت دینی و اجرای احکام الهی و پیروی از تعالیم و نصایح ربانی است که منجر به ایجاد وجدان روحانی می‌شود و افراد را از ارتکاب اعمال ناپسند و مضر و خشونت در رفتار و گفتار باز می‌دارد و مانع بروز فساد در جامعه می‌گردد. تحقق یافتن این هدف دو اثر و نتیجهٔ مطلوب خواهد داشت: یکی تأمین محیط زیستی آرام و امن و مطلوب برای همه، و دیگر صرفه‌جویی در هزینه‌هایی که برای یافتن و محاکمه و مجازات و زندانی کردن خطا کاران مصرف می‌گردد. این نوع صرفه‌جوییها سبب کاهش فشار مالیات بر افراد و افزایش منابع مالی برای خدمات عام‌المنفعه از جمله تعلیم و تربیت می‌شود.

۴. رفع تعصبات جاهلیه

تحقیقات علمی روز به روز بیشتر آشکار می‌سازد که تعصبات جاهلیه یا تعصباتی که اساسش برنادانی است محصول تأثیرات تعلیم و تربیتی است که به‌طور رسمی و غیر رسمی از ابتدای زندگانی در افراد تأثیر می‌گذارد و مایهٔ جدایی و نفاق و عناد بین گروه‌های مختلف جامعه می‌گردد و گاه به گاه منجر به جنگ و جدال و خونریزی و ناامنی و بی‌عدالتی می‌شود. حضرت بهاء‌الله رفع تعصبات جاهلیه را از اصول و اهداف تعلیم و تربیت اعلام نموده‌اند و حتی در مورد تعلیم دین که تا این حد آن را حائز اهمیت شمرده‌اند، توصیه فرموده‌اند که اگر چه باید طفل را به شرائط دین تعلیم داد اما تا حدی که منجر به "تعصب جاهلیه" نگردد. علاوه بر این ثابت شده است که تعصبات ناپسند رایج را نیز می‌توان از طریق تعلیم و تربیت، مخصوصاً اگر از دوران کودکی به مرحلهٔ اجرا درآید، ریشه کن ساخت و از زیانهای نفاق و جدایی نژادی و مذهبی و قومی رهایی یافت.

۵. تأمین عدالت اجتماعی

تساوی حقوق در دسترسی به تعلیم و تربیت و بهره بردن از برنامه‌های آموزشی بر اساس نوع رغبت و علاقه و میزان استعداد افراد موجب تأمین عدالت اجتماعی در جامعه می‌گردد. این تساوی حقوق سبب می‌شود که موجبات تعلیم و تربیت با کیفیت مطلوب و به نحو یکسان در دسترس عموم در جمیع جوامع بشری قرار گیرد و این فواصل و طبقاتی که در اثر نارسایی خدمات تربیتی در جامعه بشری بوجود آمده و به نوبه خود مانع حصول عدالت اجتماعی می‌گردد تعدیل گردد.

۶. فراگرفتن علوم و فنون مفید و اشتغال به کار

چنان که در بحث اهداف ذیل شماره ۹ شرح داده شد، حضرت بهاءالله علاوه بر تحصیل علوم و فنون نافع، فراگرفتن صنایع و حرفه‌های مفید که "اهل ارض از آن منتعم شوند" را نیز بر همه افراد فرض و واجب دانسته‌اند و در کتاب مستطاب اقدس جمیع را به اشتغال به حرفه و کسب مأمور نموده‌اند. بنا بر این آمادگی برای اشتغال به مشاغلی که برای جامعه مفید است نیازمند تحصیلاتی می‌شود که متوجه چنین هدفی باشد. تحقق بخشیدن به این هدف حائز فواید متعددی است. اولاً شخص را از کاهلی و زندگانی آتکالی به زندگانی فعال و مفید سوق می‌دهد. ثانیاً نفس اشتغال به کار مانع بروز افسردگی و ناامیدی می‌شود. ثالثاً سبب رفاه مادی فرد و خانواده وی می‌گردد. رابعاً از این طریق افراد جامعه مولد ثروت می‌شوند و در نتیجه جامعه نیز غنی و توانا می‌گردد. و بدین ترتیب هر فردی به سهم خود به خدماتی در جامعه موفق می‌شود، زیرا از دیدگاه آیین بهائی، خدمت به عموم بشر از اهداف آفرینش انسان است.

ج. تربیت معطوف به ایجاد "خلق جدید"

از نظر هدفهای انفرادی تعلیم و تربیت آنچه به طور کلی مورد نظر و مقصود غایی امر بهائی محسوب می‌شود بوجود آوردن "خلق جدید" یعنی ایجاد تحول و تغییر روحانی و اخلاقی در افراد است. این تحول و تغییر متوجه آرمانها و مقاصد ذیل است:

۱. کشف و پرورش استعدادها

همانطور که در اصل اول بخش قبل اشاره شد، حضرت بهاءالله انسان را به معدنی تشبیه فرموده‌اند که دارای سنگهای قیمتی است و فقط تربیت، آن جواهر، یعنی کمالات و استعدادهای پنهان در وجود آدمی، را به ظهور می‌رساند. بنا بر این هدف تعلیم و تربیت کشف و استخراج فضائل و استعدادهاییست که در هر فردی از افراد به ودیعه نهاده شده است.

۲. رهایی از خواهشهای نفسانی

یکی از گرفتاریهای انسان جاذبه و کشش هوئی و هوسهای نفسانیست که امروزه به منظور جلب منافع و مقاصد مالی و اقتصادی به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. حضرت بهاءالله انسان را به پولاد تشبیه فرموده‌اند که در اثر تربیت صحیح جوهر آن ظاهر می‌شود و اگر به حال خود گذاشته شود و گرفتار هوئی و هوس و مشتتهیات نفسانی گردد، دچار زنگزدگی و پوسیدگی می‌شود و از بین می‌رود. یعنی وجود حقیقی انسان که جنبه روحانی وجود اوست از بین می‌رود. بنابر این هدف تعلیم و تربیت زدودن زنگ خواهشهای نفسانی و رهایی انسان از غرقه شدن در منجلاب امور مادی دنیویست تا از فنای روحانی انسان جلوگیری شود و صفات و خصوصیات که سبب رفاه و امنیت در این جهان و ارتقاء روح در عوالم الهی است در اخلاق و رفتار انسان جلوه‌گر شود.

۳. پیشرفت و تعالی افراد

حضرت بهاءالله صریحا فرموده‌اند که بزرگترین وسیله برای ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس، یعنی پیشرفت و تعالی افراد، تربیت است. زیرا تربیت از یک جهت انسان را برای پیشرفت در امور زندگانی توانا می‌سازد و از طرف دیگر محیطی را بوجود می‌آورد که در پیشرفت و ترقی افراد نقشی سازنده و مؤثر دارد و به این ترتیب این دو جنبه در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند.

۴. تهذیب اخلاق

در تربیتی که در آثار قلم اعلیٰ توصیه شده است تربیت اخلاقی و رشد و بلوغ اخلاقی انسان در مقام اول از اهمیت و ضرورت قرار گرفته است و در نتیجه افرادی که از این چنین تربیتی بهره‌مند می‌گردند دارای اخلاق حسنه و اعمال پسندیده می‌گردند.

۵. رهنیدن مردمان از نادانی

حضرت بهاءالله می‌فرمایند: "خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز بود: نخست رهنیدن مردمان از تیرگی نادانی و رهنمایی به روشنایی دانایی" (۹) و نیز می‌فرمایند: "براستی می‌گویم هر آنچه از نادانی بکاهد و بر دانایی بیفزاید پسندیده آفریننده بوده و هست." (۱۰) تعلیم و تربیت باید انسان را از گمراهی جهل و نادانی برهاند و او را به بینایی حقیقی برساند. این است که مقام تعلیم و تربیت در آثار قلم اعلیٰ تا این حد متعالی و مهم شمرده شده است.

۶. آمادگی برای خدمت

از مجموعه اوامر و نصایح قلم اعلیٰ در ارتباط با تعلیم و تربیت بخوبی هویدا است که از هدفهای عمده و اساسی تعلیم و تربیت آماده ساختن فرد برای خدمت به عالم انسانی است زیرا حضرت بهاءالله فرموده اند که "کل از برای... اصلاح عالم و تهذیب امم از عدم بوجود آمده اند." (۱۱) و "امروز انسان کسی است که به خدمت به جمیع من علی الارض قیام نماید." (۱۲) وصول به این هدف لازمه اش احراز آمادگی و اکتساب دانش و فنونی است که انسان را قادر بر چنین خدماتی می نماید و حصول این مقصود نیازمند تعلیم و تربیت است.

ه. تأمین منابع مورد لزوم

۱. تأمین منابع مالی

همانطور که در مبحث اصول تعلیم و تربیت ذکر شد در احکام و تعالیم حضرت بهاءالله تأمین منابع مالی برای خدمات تعلیم و تربیتی تشریح شده است. یکی از بزرگترین مشکلاتی که امروزه گریبانگیر جوامع، چه ثروتمند و چه کم درآمد، است نارسایی مالی برای تأمین تسهیلات کافی و عمومی برای تعلیم و تربیت به نحو مطلوب است. طرحی که حضرت بهاءالله تشریح فرموده اند سبب مشارکت عموم افراد چه در زمان حیات و چه بعداً بصورت آنچه از آنان به عنوان ما ترک باقی می ماند در تأمین چنین منابعی است. علاوه بر این تغییراتی که تعالیم بهائی در جامعه بوجود می آورد نیز سبب می شود که آنچه امروز صرف اقداماتی نظیر تهیه و تولید جنگ افزار و مواد مخدر و مشروبات مضر می گردد، برای تأمین رفاه و پیشرفت جامعه صرف شود و از جمله توانایی مالی مؤسساتی که مأمور و مسئول خدمات تعلیم و تربیتی هستند به میزان قبل توجهی افزایش یابد.

۲. تأمین منابع انسانی

از جمله مشکلات کنونی در تأمین خدمات آموزشی و پرورشی کمبود نیروی انسانی کارآمد است. علت این کمبود عدم توجه و علاقه افراد مستعد و واجد شرائط برای خدمات مورد لزوم در آموزش و پرورش به حرفه های مربوط به این خدمات است زیرا هم از نظر درآمد و هم از لحاظ حیثیت و مقام اجتماعی شغل معلمی و سایر مشاغل مربوط به خدمات تربیتی در سلسله مراتب مشاغل و حرفه ها در رتبه های پایین قرار گرفته است. حضرت بهاءالله به اعتلاء مقام خادمان تعلیم و تربیت و تأمین مزایای مالی برای آنان توجهی خاص و استثنایی مبذول داشته اند. حرفه معلمی را به حد اعلا ستوده اند و از بین جمیع مشاغل فقط این شغل را بهره مند از سهم الارث ساخته اند. بدین ترتیب دو هدف

بسیار مهم و ضروری در عرصه آموزش و پرورش تأمین خواهد شد یعنی تأمین منابع مالی مورد لزوم و اعتلاء مقام و حیثیت افرادی که برای آموزش و پرورش خدمت می‌کنند. ۳. مشارکت عمومی

مشارکت و معاونت در خدمات تعلیم و تربیتی از جمیع مؤمنین خواسته شده است. چون حضرت بهاءالله کل را وصیت می‌فرمایند که به اموری تمسک نمایند که سبب تعلیم و تربیت و تعالی نفوس می‌گردد. بدین ترتیب یکی از اهداف مهم در تعلیم و تربیت مشارکت دادن عموم اعضای جامعه در تأمین موجبات و خدمات تربیتی است.

خاتمه

از آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که در امر بهائی تغییرات و تحولاتی بنیانی در اقدامات و خدمات تعلیم و تربیتی پیش‌بینی شده است و ابعاد جدیدی به فعالیت‌های مزبور افزوده گردیده است که مسائل و مشکلاتی را که امروزه به نحوی روزافزون دامنگیر این بخش از خدمات عمومی است برطرف می‌سازد. اهم این تغییرات عبارتند از: تقدم و ارجحیت نسبی تقلیب روحانی و تهذیب اخلاق افراد و آموزش مبانی و تعالیم دیانت و اجباری و عمومی شدن آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان، تأمین عدالت اجتماعی، جلوگیری از ارتکاب جرائم، ممانعت از اتلاف عمر در تحصیل مطالبی که مفید به حال جامعه و افراد بشری نیست، آماده ساختن افراد برای خدمت به عالم انسانی، تأمین نیروی انسانی واجد شرائط از طریق تأمین رفاه مالی و تعالی قدر و مقام معلمان و مربیان و رهنمون شدن تعلیم و تربیت به تحقق یافتن صلح و یگانگی و رفاه و آسایش در جامعه بشری. بدین ترتیب تصویری کاملاً بدیع و مطلوب و آرمانی بی‌سابقه و حیاتی برای تعلیم و تربیت در نظر مجسم می‌شود.

نظر به اینکه بررسی حاضر محدود است به فقط ۲۸ قطعه از نصوص در آثار قلم اعلی، تردیدی نیست که وسعت بخشیدن این بررسی به کلیه آثار مبارکه بهائی نکات و دقایق ضروری دیگری را نیز باز خواهد یافت و جامعیت و تأثیر تحول‌بخش تعلیم و تربیت را در سرنوشت بشر بیشتر آشکار خواهد ساخت.

یادداشتها

- * متن مطالبی که در دوره سی و پنجم مجمع عرفان در مرکز مطالعات بهائی آکوتو (ایتالیا) درجولای ۲۰۰۱ تقریر گردیده است.
- ** مأخذ اصلی نصوص مبارکه‌ای که در این مقاله نقل شده به استثنای مأخذ مواردی که در زیر جداگانه مشخص گردیده است: مجموعه آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت بهائی، تنظیم دائرة مطالعه نصوص و الواح در مرکز جهانی بهائی، (که به اهتمام نصرالله مودت به فارسی برگردانده شده است)، آگست ۱۹۷۶م، شامل تدوین اصل فارسی و عربی و ترجمه آثار انگلیسی (طهران، ایران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۵ بدیع)
- سایر مأخذ:
۱. حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول (ویلنت: مؤسسه ملی مطبوعات بهائی، ۱۹۷۹م) ص ۱۸۰
 ۲. حضرت بهاءالله، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، (لانگنهاین، آلمان: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۵ م) ص ۱۰۶
 ۳. ایضا، ص ۱۶۷
 - ۴ و ۵. حضرت عبدالبهاء، النورالابهی فی مفاوضات عبدالبهاء (قاهره، مصر: مطبعة فرج الله ذکی الکردی، ۱۹۲۰م) ص ۱۶۶
 ۶. حضرت بهاءالله، کتاب بدیع، پراگ، (جمهوری چک: Zeropalm Press، ۱۹۹۲م) ص ۷۲
 ۷. حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، (لانگنهاین، آلمان: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۷م) ص ۴۱۴
 ۸. عبدالحمید اشراق خاوری، پیام ملکوت، (دهلی نو، هندوستان، مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۸۹م) ص ۵۹
 ۹. حضرت بهاءالله، آیات الهی، جلد اول (لانگنهاین، آلمان: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۹۴م) ص ۵۴
 ۱۰. ایضا، ص ۱۳۹
 ۱۱. حضرت بهاءالله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، (لانگنهاین، آلمان: لجنة نشر آثار امری، ۱۳۷ب) ص ۱۰۸
 ۱۲. حضرت بهاءالله، آیات الهی، جلد دوم، (لانگنهاین، آلمان: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۹۶م) ص ۳۴۲